

آیا گرایش‌های مذهبی نقشی در تحولات انقلابی کنونی دارند؟!

بهرام رحمانی
bamdadpress@ownit.nu

مردم تونس، مصر و دیگر کشورهای آفریقایی و عربی، آن گونه که برخی از سران و مقامات و رسانه‌های حکومت وحشی اسلامی ایران، ادعا می‌کنند آیا به دنبال تشکیل یک حکومت اسلامی، شبیه حکومت اسلامی ایران هستند؟ یا این که مردم کشورهای تونس، مصر و... با هدف دست‌یابی به یک جامعه آزاد، برابر و عادلانه انسانی، خواهان حکومت‌های مستبد خود هستند؟!

مردم معترض، همراه با مبارزه و اعتراض و اعتصاب طبقه کارگر و تشکل‌های کارگری تونس، دولت حاکم را فلج کردند و زین العابدین بن علی، رئیس‌جمهوری که ۲۳ سال قدرت را در این کشور، قبضه کرده بود، فراری دادند. تلاش محمد الغنوشی، نخست‌وزیر فعلی باقی‌مانده دولت حاکم و وعده و وعیدهایش با هدف آرام کردن مردم و کنترل اوضاع، تاکنون به جایی نرسیده است. کارگران و تشکل‌های کارگری تونس، همراه توده‌های وسیع جوانان و مردم آزادی‌خواه با اعتراض به گرانی، بی‌کاری و دیکتاتوری، و با خواست به زیر کشیدن کل حاکمیت پیشین، هم‌چنان به مبارزه پیگیر خود ادامه می‌دهند.

بی‌شک در این مورد و این که مردم تونس «نان و کار و آزادی» می‌خواهند نیاز به تحلیل و تفسیر زیادی نیست. زیرا کافی ست که به شعارهای اعتراضی مردم و این که محمد بوعزیزی، جوان تحصیل‌کرده بی‌کاری که به دست فروشی در یک گاری دستی روی آورده بود با تعرض پلیس روبرو شد و از روی خشم خودش را آتش زد و چند روز بعد در اثر سوختگی شدید در بیمارستان جان باخت جرقه انقلاب تونس را زد. در واقع کارگران، بی‌کاران و جوانان تونس، قبل از این که بورژوازی آن را «انقلاب پاسمین» نام دهد «انقلاب نان» نامیده بودند. حتی مجله تایم آن را «انقلاب گرسنگان» خواند و برخی هم آن را «انقلاب نیروی کار» نامیدند.

مصر با ۸۰ میلیون نفر جمعیت، پرجمعیت‌ترین کشور عربی است. بیش از ۴۰ درصد از جمعیت مصر با درآمدی معادل ۲ دلار به ازای هر نفر، زیر خط فقر زندگی می‌کنند. شعارها و مطالبات مردم برچیده شدن بساط دیکتاتوری و برقراری آزادی، رفاه و عدالت اجتماعی است و هیچ شعار مذهبی از تونس تا مصر شنیده نشده است. حتی جریان‌های مذهبی در این کشورها، شعارهای خود را طرح نمی‌کنند. چون که به ضررشان است. در حقیقت دوره حاضر، دوره خرافه‌زدایی مذهبی، فقرزدایی و دیکتاتورزدایی است. بنابراین، سران و مقامات و رسانه‌های حکومت اسلامی در مورد تحولات انقلابی از تونس تا مصر، آشکارا دروغ می‌گویند.

در چنین شرایطی، همه نهادها و دولت‌های سرمایه‌داری جهان، نگران تحولات انقلابی جاری هستند. هیئت حاکمه آمریکا که اکنون شاهد قدرت عظیم مردم مصر و سرنگونی قریب الوقوع هیئت حاکمه این کشور است، همواره به مبارک فشار می‌آورد تا اعتراضات مردم در این کشور مهم عربی، تعمیق و گسترش پیدا نکرده هر چه زودتر از حکومت کناره‌گیری کند و خلا قدرت پر شود. و هم‌چنین دولت اوباما، ظاهری و به ناچار از مبارزه مردم و مطالبات آن‌ها حمایت می‌کند. در حالی که دولت اوباما، تنها در سال ۲۰۱۰ به دولت حسنی مبارک، معادل ۱/۳ میلیارد دلار کمک نظامی و تسلیحاتی کرده بود. در عین حال، دولت اوباما، معادل همین رقم را برای کمک سال جاری وعده داده است.

در حقیقت شکست روند صلح خاورمیانه و جنگ در عراق و افغانستان و تحولات انقلابی اخیر، حاکی از آن است که یک دولت برآمده از درون تحولات انقلابی مردم، دیگر سیاست خارجی مشابهی را در پیش نخواهد گرفت. از جمله به تحولات تازه‌ای در روند روابط و مناسبات اعراب با دولت اسرائیل و فلسطین منجر خواهد شد. از این رو، تحولات مصر، دولت‌های غربی و هم‌دولت اسرائیل را به شدت نگران کرده است.

اما با وجود تمام این تحلیل‌ها، هنوز باید منتظر بود، منتظر نتایج تحولات تاکنونی در کشورهای مختلف و به ویژه مصر. منتظر بود که پس از مصر، تحولات و اعتراضات مردمی در کدام کشور پی‌گرفته خواهد شد. اکنون زنجیری از کشورهایی که حاکمان قدره‌بند در قدرت هستند در صف تحولات انقلابی قرار دارند. فردا نوبت کدام کشور است؟ شاید هم ایران!

اکنون تحولات انقلابی و خشم اقشار مختلف مردم، به ویژه بی‌کاران و مردم فقیر و سرکوب شده از قاره آفریقا تا آسیا را فراگرفته است. همه این تحولات انقلابی، ریشه در تورم و گرانی، فقر و بی‌کاری و سیاست‌های سرکوب‌گرانه دولت‌های مستبد دارد. البته این تحولات تنها محدود به این قاره‌های نبوده و کشورهای غربی نیز در دو سال اخیر بحران‌های بزرگی از سر گذرانده‌اند.

تظاهرات‌های گسترده کارگران و بی‌کاران و مردم محروم در ایتالیا، فرانسه، یونان و غیره در سال ۲۰۱۰، نشان داد که بحران سیستم سرمایه‌داری جهانی است و بر خلاف تحلیل‌گران لیبرال و راست، این بحران نه تنها در عرصه مالی و تجاری، بلکه در ساختارهای پایه‌ای آن وجود دارد. ماه‌های آخر سال ۲۰۰۸، بحران مالی در عرصه بانک‌ها و بازارهای بورس، از آمریکا شروع شد و تمام اروپا فراگرفت. از دولت‌های پیشرفته سرمایه‌داری تا نهادهای بین‌المللی سرمایه‌داری چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، صدها نشست آشکار و نهان برگزار کردند و میلیاردها دلار به بازارهای بورس و بانک‌ها تزریق کردند تا جلو پیشروی بحران خود را بگیرند. اما بحران در همین حد باقی نماند و به سرعت به صنایع مادر و حتی ورشکستگی اقتصادی دولت‌هایی چون یونان نیز کشیده شد. صدها هزار کارگر بی‌کار شدند. فشار کار بر کارگران شاغل شدن یافت و دولت‌ها، مجدداً

میلیاردها دلار به صنایع ماشین سازی و هواپیماسازی و صنعت توریسم و غیره اختصاص دادند تا باز هم از رشد و گسترش بحران خود که هر بار آواران را بر سر کارگران و مردم محروم می ریزند جلوگیری کنند. از همان سال ۲۰۰۸، هم زمان با حذف سوبسیدهای دولتی بر برخی از کالاهای مورد نیاز مردم، به توصیه صندوق بین المللی پول و آزاد کردن قیمت کالاها، مساله مواد غذایی و افزایش قیمت کالاها نیز به یک معضل اجتماعی تبدیل شد. حتی سازمان ملل نیز درباره گرسنگی هشدارهایی داد. در اعتراض به این وضعیت، تظاهرات هایی در کشورهای مختلف جهان، سازمان دهی و برگزار شد. اما این تظاهرات ها، به تحولات جدی بر علیه بورژوازی منجر نشدند.

سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد «فائو»، از وجود یک میلیارد انسان گرسنه در جهان خبر داده است. فائو، هشدار داده است در صورتی که جهان در مقابله با گرسنگی به همین سرعت ناچیز فعلی پیش برود، «اهداف توسعه هزاره» در کاهش ۵۰ درصدی شمار گرسنگان جهان تا سال ۲۰۱۵ محقق نخواهد شد. هم چنین خانم والرآی آموس، رییس «دفتر هماهنگی امور انسان دوستانه سازمان ملل متحد»، چند ماه پیش اعلام نمود «صندوق مرکزی پاسخ اضطراری» مبلغ ۸۴ میلیون دلار برای کمک به مردمی اختصاص داده که از گرسنگی، سوء تغذیه، بیماری، آوارگی و درگیری در ۱۵ وضعیت اضطراری نادیده انگاشته شده در سراسر جهان، گرفتار هستند.

صندوق مرکزی پاسخ اضطراری به وسیله دفتر هماهنگی امور انسان دوستانه ملل متحد که هدف آن تسریع در فعالیت های امدادی برای وضعیت های اضطراری انسان دوستانه است اداره می شود که در سال ۲۰۰۶، تاسیس گردید. کشور های عضو سازمان ملل متحد، سازمان های غیردولتی، دولت های محلی و اشخاص، کمک های داوطلبانه به این صندوق ارائه می دهند.

اما اعتراضات مردمی گسترده ای که از سال جدید ۲۰۱۱، در اعتراض به سرکوب های دولتی، نابرابری، بی کاری و فقر بر علیه سیستم سرمایه داری جهانی آغاز شده است خاموش شدنی نیست و روزبروز ابعاد آن گسترده تر می شود. دیگر با سرکوب و وعده و وعده های تو خالی حکومت ها نمی توان شکم مردم گرسنه را سیر کرد و به بند کشید.

رییس جمهوری تونس، با قدرت مردم و اعتراضات پیگیر کارگران و بی کاران و جوانان فرار کرد و بقایای دولت سابق تونس در حال فروریزی است. تظاهرات هایی در الجزایر، اردن، یمن، آلبانی و... در جریان است. اما خیزش مردمی در مصر بسیار متفاوت است. هر چند که حسنی مبارک، رییس جمهور این کشور، هنوز فرار نکرده اما روزبروز قدرتش رو به افول است و مردم با وجود حکومت نظامی، شبانه روز در خیابان ها هستند و لحظه به لحظه عرصه را بر دولت مبارک تنگ و تنگ تر می کنند. تنها روز سه شنبه یکم فوریه ۲۰۱۱، حدود هشت میلیون انسان در شهرهای مختلف دست به راه پیمایی و تظاهرات زدند. در این مدت ده روز اخیر اعتراضات مردم مصر، کارگران خود را متحدتر کرده و تشکل هایی نیز به وجود آورده اند نشانه دهنده این واقعیت است که طبقه کارگر و مردم معترض در دوره های انقلابی، راه ده ساله را به سرعت در طول چند روز می پیمایند و تحولات به سرعت اتفاق می افتد. حتی لحظات نیز بی نهایت حائز اهمیت و سرنوشت ساز است.

مصر کشوری بسیار مهم و استراتژیک است که قاره آفریقا را به آسیا و خاورمیانه وصل می کند. تحولات این کشور، به معنای واقعی تحولات قاره آفریقا و کشورهای عربی را رقم می زند. بعلاوه تحولات این کشور برای دولت های غربی و در راس همه آمریکا بسیار مهم و سرنوشت ساز است به ویژه این که مصر و اسرائیل، هم رمز هستند و دولت های کنونی شان نیز رابطه نزدیکی با همدیگر دارند. بی جهت نیست که دولت اسرائیل هم چون دولت مصر، مردم را از قدرت گیری احتمالی اسلامیون می ترسانند. اگر تحولات مصر واقعا به یک نتایج مردمی و دست کم به یک دولت دمکراتیک منجر شود که خواست های کارگران، بی کاران و مردم محروم را تا حدودی برآورد سازد و به آزادی های فردی و جمعی احترام بگذارد و بدون در نظر گرفتن جنسیت، ملیت، باورهای مذهبی، نگاه یک سان و برابری به حقوق همه شهروندان داشته باشد؛ بی شک زنگ خطر را برای کشورهای آفریقایی و عربی و به ویژه دولت سرکوب گر و اشغال گر اسرائیل به صدا درخواهد آورد. بنابراین، هم اکنون دولت های بورژوازی جهان بسیج شده اند تا جلو تحولات مصر و عمیق تر شدن خواست های کارگران، زنان، دانش جویان و مردم آزادی خواه را بگیرند. باید دید که در این جنگ و گریز خیابانی بین کارگران و مردم حق طلب با نیروهای سرکوبگر حکومت و گرایشات مذهبی و در راس همه اخوان المسلمین که نسبتا پایگاه قوی و سنت داری هم در این کشور دارد؛ باید دید که نقش آتی آن در حاکمیت آتی مصر تا چه حد خواهد بود؟

اما همه تحلیل ها و گزارشات تاکنونی از تونس، الجزایر، اردن، یمن، مصر و غیره حاکی از آن است که گرایشات مذهبی حضور کم رنگی در حرکت های اخیر مردمی در این کشورها دارند. دلپش هم روشن است. اگر مذهبپون سی و دو سال پیش در ایران قدرت را قبضه کردند دوره ای بود که دنیای عرب در مقابل رقیب قدرت مند خود در شرق، یعنی شوروی نیاز به کمربند سبز اسلامی داشت. دولت های غربی در این دوره در رقابت با شوروی و جلوگیری از رشد و گسترش گرایش چپ و کارگری، تا آن جا که در توان داشتند به گروه های مرتجع اسلامی در کشورهای مختلف کمک کردند. از جمله به نیروهای جهادی و مجاهدین افغان در افغانستان، حماس و جهاد اسلامی در فلسطین، اخوان المسلمین در کشورهای عربی، پس از کودتای ۱۹۸۰ مسجده سازی ژنرال ها در ترکیه تا بده و بستان های نهان و آشکار نمایندگان دولت های غربی با طرفداران خمینی و به اصطلاح لیبرال هایی چون بازرگان، بنی صدر، یزدی و غیره که تا مغز استخوان هایشان مذهبی بودند و دست کمی از آخوندها و خمینی نداشتند. دولت های غربی در تحولات انقلاب ۵۷ ترس داشتند که رهبری انقلاب به دست کارگران و نیروهای چپ نیفتد گرایش اسلامی را تقویت کردند. انقلابی که شاه نتوانسته بود سرکوب کند این بار گرایش عقب مانده بورژوازی، یعنی با سلاح مذهب سرکوب کند. در واقع شاه که نتوانسته بود انقلاب مردم ایران را سرکوب کند حکومت تازه به قدرت رسیده اسلامی، به وحشیانه ترین شکلی آن را سرکوب کرد و به مسلخ بورژوازی برد. بنابراین، در این دوره، دولت های غربی به یک کمربند سبز اسلامی، در اطراف رقیب قدرت مند

خود، یعنی شوروی، نیاز مبرم داشتند. از این رو، با تمام امکانات از گروه های مذهبی حمایت کردند و خمینی ها، بن لادن ها، ملامعمرها و غیره را به هیولاهایی تبدیل کردند و به جان مردم این کشورها انداختند. چندین دهه است که شیخ های مرتجع جهان عرب، ژنرال های کودتاگر چون حسنی مبارک، از حمایت های بی دریغ دولت های غربی و در راس همه دولت آمریکا برخوردار هستند.

در شرایطی که اعتراضات مردمی به ویژه در جهان عرب، ابعاد تازه ای به خود می گیرد سران حکومت اسلامی، برای این که به اصطلاح دست پیش بگیرند تا پس نیفتند از بیداری «مسلمان» و «پس لرزه های انقلاب اسلامی» سخن به میان می آورند. سخنان مسخره و خنده دار و غیرواقعی که هر چه بیش تر خودشان را بی حیث و بی آبرو می کنند. این جانپان از یک سو، به سران کشورهای چپون تونس و مصر و غیره توصیه می کنند که دست به سرکوب مردم نزنند. طنز گزنده این موضع گیری در این است که خود حکومتی که سی و دو سال است آدم می کشد و هم اکنون نیز هر چند ساعت یک نفر را اعدام می کند و به ویژه در سال ۸۸ به وحشیانه ترین شکلی اعتراضات بر حق و عادلانه مردم را سرکوب و کشتار کرد بی شرمانه به دولت های دیگر توصیه می کند که دست به سرکوب و کشتار مردم نزنند و به خواست های مردم گردن بگذارند؟! طنز تلخ دیگر ادعاهای کاذب سران حکومت اسلامی، آن هم در مقطع انقلاب ۵۷ در این است که انقلاب ۵۷ مردم ایران را اسلامی می نامند. البته دولت های جهان و تحلیل گران بورژوازی نیز انقلاب ۵۷ را «انقلاب اسلامی ایران» می نامند. در حالی که این انقلاب نه برای اسلام، بلکه برای نان و آزادی و عدالت بود. به همین دلیل نیز خمینی، قبل از این که به قدرت برسد اجباراً می گفت پول نفت را در بین مردم ایران تقسیم خواهیم کرد؛ ما حکومت نخواهیم کرد و همه سازمان ها از مجاهدین تا کمونیست ها آزادند فعالیت کنند. اما حکومت اسلامی که هم یک گرایش قوی در جامعه ایران بود و هم با حمایت بورژوازی داخلی و بین المللی قدرت را گرفت. چرا که شاه امکاناتی بی کران را در اختیار حوزه های علمیه و مساجد و طلبه ها و آخوندها گذاشته بود و تنها با آخوندهایی مخالفت می کرد که با حاکمیت وی مخالف بودند. هم چنین بورژوازی جهانی و به نمایندگی از آن ها، چهار ابرقدرت وقت، یعنی سران آمریکا، فرانسه، آلمان و انگلستان در «گوادولوپ» گرد هم آمدند و در مورد انقلاب مردم ایران، به این نتیجه رسیدند که مردم شاه را نمی خواهند بنابراین، حمایت خود را از او قطع کنند و با حفظ نیروهای سرکوبگر و به ویژه ارتش قدرت را به گرایش مذهبی به رهبری خمینی حمایت کنند. زیرا ارتش در همه نقاط جهان، طوری آموزش دیده که حافظ سرمایه است و از دیدگاه سرمایه داری، باید آن را در هر شرایطی حفظ کرد. بنابراین، هم قدرت بسیج و امکانات گرایش مذهبی و هم بورژوازی بین المللی دست به دست هم دادند و انقلاب مردم ایران را به مسلخ بورژوازی بردند و به زور سرنیزه اسلامی اش کردند. بنابراین، دلیل اصلی سران حکومت اسلامی که از تحولات انقلابی از تونس تا مصر به وحشت افتاده اند و تب کرده اند در واقع هذیان می گویند.

برای مثال، مجمع روحانیون مبارز با انتشار بیانیه ای از حرکت «مردم مسلمان مصر و تونس» حمایت و به نظامیان و پس مانده های حاکمیت مصر و تونس هشدار داد که در «برابر خواست مردم» تسلیم شوند. در بخش هایی از این بیانیه آمده است: «... در پی حوادث تونس مردم مصر که صاحب تمدن کهن و جایگاه والایی در دنیای عرب و اسلام هستند نیز به پا خاستند و خواستار سرگونی حاکم دیکتاتور خود شدند...» «مردم مصر در زیر سلطه حاکمی زندگی کرده اند که ... در طول سه دهه آنان را از تمامی مواهب آزادی های یک ملت مسلمان و با سابقه درخشان تمدنی و اسلامی محروم ساخته است»؛ «مجمع روحانیون مبارز از عالمان دینی و دانشمندان اسلامی در این کشورها متواضعانه می خواهد که در این نهضت مقدس که مورد رضای خداوند است مردم را بیش از همیشه یاری رسانند و آنان را برای نجات از حاکمیت زور و سلطه جباران که خواست اسلام عزیز است هدایت و همراهی کنند و با تاسی به پیامبر بزرگ اسلام و بزرگان دین مردم را برای رسیدن به هدف نهایی که حاکمیت به دور از ظلم و ستم و دیکتاتوری و استبداد است امیدوار به رحمت و یاری خداوند سازند...»

آیت الله محمدعلی تسخیری، دبیر مجمع تقریب مذاهب اسلامی، در گفتگو با خبرنگار مهر، ادعا کرد گفت: «انقلاب مردم تونس در اعتراض به ضدیت با دین بود نه مساله نان و کار؟! این آخوند که در روز روشن دروغگو می گوید، خیزش مردم به مساله نان و کار را به تبلیغات «رسانه های استکباری» نسبت داد و گفت: «تبلیغات رسانه های استکباری سعی کرد که بگوید این نهضت مربوط به نان، مشاغل و امثال این هاست نه اعتراض به ضد اسلامی بودن حکومت بن علی.»

به گزارش باشگاه خبری فارس «توانا»، به نقل از روابط عمومی حزب موتلفه اسلامی، محمدنبی حبیبی که در پایان نشست دبیران این حزب سخن می گفت، ادعا کرد: «ما سال ها بود که منتظر چنین زلزله ای بودیم؛ غرب با تردستی وقوع این زلزله را به تاخیر می انداخت اما امروز آتشفشان هایی در جهان اسلام و به ویژه در جهان عرب شروع به فعال شدن هستند که اصلی ترین سمت و سوی آن ویران کردن بنیان های مدرنیته و سکولاریسم در جهان اسلام است.»

به گزارش خبرنگار ایسکانیوز، حجت الاسلام و المسلمین محمد خدیری، در مراسم نماز جمعه هفته گذشته شهر جدید پرند، گفت: «شعاع انقلاب اسلامی ایران جهان را فراگرفته و در جای جای دنیا پرتو افشانی می کند... صدور انقلاب به سرتاسر جهان یکی از آرزوهای امام راحل بود که این امر امروز به وقوع پیوسته است، آمریکا و استکبار جهانی بدانند که مسلمانان و جهانیان به برکت این انقلاب بیدارند...»

سیداحمد خاتمی امام جمعه تهران و از حامیان سیدعلی خامنه ای، اتفاقات مصر و تونس و لبنان را متأثر از انقلاب ۱۳۵۷ ایران دانسته و مدعی شد که این رخدادها به نوعی ادامه انقلاب اسلامی است. بنا به گزارش روشننگری، اسد ابوخلیل تحلیل گر سرشناس عرب و استاد دانشگاه کالیفرنیا که وب سایت معروفی نیز تحت عنوان «عرب خشمگین» دارد به ادعای احمد خاتمی، واکنش نشان داده و نوشته است: «روحانی احمد خاتمی مانند رییس اش، احمدی نژاد، بی مغز است. او در نماز جمعه گفت شورش ها در تونس و مصر از «پس لرزه» های انقلاب اسلامی ایران است. به این ابله بگویند حتی یک شعار اسلامی در خیابان های تونس یا مصر یا یمن نبود. خواب ببینی!

از آغاز حرکات اعتراضی مردم مصر، بیش تر نویسندگان و هنرمندان کشور در گردهمایی های اعتراضی شرکت دارند. برخی از روشنفکران که در سال های گذشته، به خاطر رواج سانسور و اختناق در خارج به سر می بردند، در روزهای اخیر برای حمایت از جنبش اعتراضی به مصر برگشته اند.

تشکل سراسری نویسندگان مصر به نام «اتحاد کتاب مصر»، یکی از نخستین نهادهای فرهنگی بود که با اعتراضات مردمی هم صدا شد. این تشکل دموکراتیک نویسندگان، پس از برگزاری جلسه ای فوق العاده در ۲۷ ژانویه، در بیانیه ای حمایت خود را از «جنبش خشم» ابراز کرد: «ما همبستگی کامل خود را با اعتراضات مشروع مردم اعلام می کنیم و هرگونه برخورد خشونت آمیز با آن را محکوم می دانیم.»

به گزارش خبرگزاری ها، احمد صبری، نعیم صبری و علاءالاسوانی از نویسندگان مشهوری هستند که در تمام آکسیون های اعتراضی شرکت داشته و در خیابان و «میدان تحریر» (میدان آزادی)، در کنار مردم بوده اند.

احمد فؤاد نجم، یکی از شاعران بزرگ مصر در گفتگویی با کانال عربی «الجزیره» به شدت به حسنی مبارک حمله کرد و گفت: «مبارک رییس باند است نه رییس جمهور.» او گفت که تمام تمهیدات مبارک، او را از سقوط نجات نخواهد داد و ملت مصر او و همه هم دستان او را به خاطر «خیانت به میهن» مجازات خواهد کرد.

فؤاد نجم، شاعر سوسیالیست مصر، که از زمان جمال عبدالناصر و انور السادات، چند بار به زندان افتاده است، به خاطر اشعار مترقی و مبارزه جویانه در سراسر جهان عرب شهرت دارد.

نعیم صبری، یکی از رمان نویسان برجسته مصر نیز در تمام مراحل جنبش «روز خشم» حضور داشته است. او به خبرنگاران گفته است: «در گذشته مردم مصر با فریادهای خود در جنبش «کفایه» با متانت و آرامش به حسنی مبارک گفتند که بهتر است به زبان خوش قدرت را رها کند. او گوش نکرد و حالا باید راه فرار را در پیش گیرد.»

علاءالاسوانی، نویسنده سرشناس مصری در گفتگویی با روزنامه آلمانی تاگس اشپیگل ۳۱ ژانویه ۲۰۱۱، از اهداف «جنبش خشم» دفاع کرده است: «جوانان مصر خود را درمانده و بی آینده می بینند و این را به علت تسلط فساد و اختناق در کشور خود می دانند. آن ها دیگر از حاکمیت وحشت ندارند و به برکنار کردن آن مصمم هستند.»

اسوانی، می افزاید: «جوانان خواهان تحولات عمیق هستند. آن ها از استبداد سیاسی که طی ۳۰ سال خود را بر کشور تحمیل کرده است، خسته شده اند. آن ها مایل هستند که انتخابات تقلب آمیز پارلمان لغو شود و حاکمیتی تازه با انتخابات سالم و شفاف بر سر کار آید.»

حامد عبدالصمد، از روشنفکران برجسته دیگر مصری است که تحصیلات خود را در آلمان انجام داده و تبعیت آلمانی گرفته است. عبدالصمد، این روزها برای شرکت در جنبش اعتراضی به مصر رفته است. او در گفتگویی با روزنامه آلمانی «فرانکفورتر الگماینه»، به شدت به حسنی مبارک حمله کرده است: «مبارک سی سال است که ملت ما را غارت می کند. او به دنیا می گوید که تنها ضامن امنیت و ثبات در مصر است، در حالی که او بزرگ ترین خطر برای مصر و ثبات منطقه است. مردم مصر با وقار و آرامش به اعتراضات خیابانی دست زده اند، اما مبارک به مزدوران خود دستور داده که به خشونت و آشوب دامن بزنند، تا وانمود کند که با تضعیف حاکمیت او مصر به آشوب و ناامنی فرو می رود.»

عبدالصمد که از منتقدان اسلام سیاسی است، درباره نقش نیروهای اسلام گرا در جنبش کنونی می گوید: «این هم یک نیرنگ مبارک است که وانمود می کند با رفتن او حتما بنیادگرایان قدرت را به دست می گیرند، در حالی که رفتن او تنها راه استقرار دموکراسی در مصر است. این روزها در خیابان های مصر همه مردم سخن می گویند، نه یک فرقه اسلامی. من در تظاهرات اعتراضی حضور داشتم و به ندرت شعارهای اسلامی شنیدم. این جا همه به دنبال آزادی هستند. غرب باید بداند که در سال های اخیر نسلی در مصر بار آمده که قبل از هر چیز مصمم است در آزادی زندگی کند.»

عمر شریف، هنرپیشه نامی مصر که در سطح بین المللی نیز معروف است به صف مخالفان حسنی مبارک پیوسته و از او خواسته است که از قدرت کناره گیری کند. به نظر عمر شریف، «مبارک نتوانست مشکلات مصر را حل کند و سی سال حکومت توأم با فساد و قلدری کافی است.»

این هنرپیشه ۷۸ ساله که اکنون در قاهره زندگی می کند، در انتقاد از شکاف طبقاتی در کشورش به رادیو فرانسه، گفته است: «یک صدم جمعیت مصر درآمد افسانه ای دارند، در حالی که اکثریت بزرگ مردم گرسنه هستند.»

عمر شریف، هم چنین گفته است که حدود ۲۰ درصد از مردم مصر از «اخوان المسلمین» حمایت می کنند و این البته مایه نگرانی است، اما نباید توجیهی برای ادامه نظام کنونی باشد.

اما خنده دار از همه سخنان اما جمعه قم است. محمد سعیدی، امام جمعه شهر قم، در یک سخن رانی در شهر قم، با اشاره به این که «معترضان در تونس و مصر رهبر ندارند»، اضافه کرد: «مردم این دو کشور باید بدانند آیت الله خامنه ای رهبر مسلمانان جهان است و باید مطیع وی باشند.»

پیش از این نیز سایت رسمی سیدعلی خامنه ای با انتشار ویژه نامه ای، به نقل از خامنه ای، نوشته بود: «شکی نیست که بر اساس حقایقی که خدای متعال تقدیر کرده است، خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت و این خاورمیانه، خاورمیانه اسلام خواهد بود.»

آیت الله نوری همدانی، در رابطه با اعتراضات مردم مصر و تونس، چنین موضع گیری کرده بود: «موج هایی از نور انقلاب اسلامی به کشورهایی هم چون تونس، مصر، اردن و یمن رسیده و مردم بیدار شده اند. به برکت انقلاب اسلامی در تونس بعد از ۵۰ سال صدای اذان شنیده شد و بعد از ۲۵ سال نماز جمعه بر پا شد.» او، هم چنین در سخنان دیگری، این حرکت ها را از «نشانه های ظهور امام زمان» دانسته بود. از سوی دیگر، علی سعیدی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران نیز درباره اتفاقات رخ داده در مصر و تونس، گفته است: «هم اکنون در کشور شاهد شکل گیری انقلاب چهارم هستیم، این انقلاب از نوع توحیدی و خداگونه مانند گذشته است.» او، با اشاره به اتفاقات اخیر سیاسی در کشورهای منطقه و به ویژه کشور تونس، گفته بود: «این امر و برخاستن مردم علیه حکومت ظلم و جور از دلایل وقوع انقلاب چهارم است...» از سوی دیگر، علی اکبر صالحی، وزیر جدید امور خارجه نیز گفته است: «با شناختی که از مردم بزرگ، انقلابی و تاریخ ساز مصر داریم، مطمئن هستیم که آنان نقش خود را در ایجاد خاورمیانه ای اسلامی... به خوبی ایفا خواهند کرد.»

۲۱۴ تن از نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی نیز با صدور بیانیه ای در رابطه با مبارزات مردم مصر، نوشتند: «... در نهایت ضمن تبریک به ملت عزیز مصر، امیدواریم با هوش و ذکاوت همیشگی خود، مانع اجرای سیاست های غریبی - صهیونیستی در تحلیل و افت فرسایشی قیام و یا انحراف آن از معیارهای اسلامی انتفاضه شود.»

باین ترتیب، همه این موضع گیری ها، تحلیل ها و گزارشات نشان می دهند که سران و مقامات حکومت اسلامی، به دروغ گویی و هذیان گویی در رابطه با تحولات انقلابی تونس و مصر و غیره افتاده اند. آن هم در حالی که فقط در طول یک سال و نیم گذشته سران حکومت اسلامی، مقامات نظامی، امنیتی و قضایی بارها مردم معترض و حتی منتقدان حکومت را «انگشت شمار» و «مشتی خس و خاشاک»، «عوامل داخلی جنگ نرم دشمنان»، «فتنه گر» و غیره نامیده اند، اکنون نیز دبیر «ستاد عملیات روانی نیروهای مسلح» شان، با تهدید مردم و تاکید بر «بازدارندگی نظامی» برای مقابله با «عوامل جنگ نرم» اعلام کرده است که: «تلفات این جنگ بر خلاف جنگ سخت، میلیونی است.»

سرتیپ پاسدار مسعود جزایری که اخیراً در جمع روسای عقیدتی سیاسی، مدیران روابط عمومی و فرهنگی وزارت دفاع در استان فارس، سخن می گفت، ادعا کرد: «سال هاست که در عرصه جنگ نرم دشمن هستیم ولی متأسفانه نسبت به این جنگ دیر هوشیار شدیم، این جنگ دارای ابعاد و زوایای پیچیده ای است و تلفات این جنگ بر خلاف جنگ سخت، میلیونی است.»

پس از خیزش میلیون ها تن از مردم ایران و در پیشاپیش همه جوانان دختر و پسر در سال ۸۸، در طول یک سال و نیم گذشته سران و مقامات ریز و درشت حکومت، همواره با طرح «جنگ نرم» و «کسانی که در این جنگ در خدمت دشمن هستند»، مردم را تهدید و چوبه های دار را در تمام شهرهای کشور برپا کرده اند تا با آفریدن رعب و وحشت بیش تر در جامعه، به حاکمیت جنایت کارانه خود ادامه دهند.

در واقع سخنان اخیر دبیر ستاد عملیات روانی نیروهای مسلح درباره «تلفات میلیونی در جنگ نرم»، به نوعی تایید میلیون ها معترض و منتقد حکومت نیز هست و ترس حکومت از خیزش جدید مردمی را به نمایش می گذارد.

علاوه بر این ها، دلیل این که سران و مقامات حکومت اسلامی علیه مبارک چنین مواضع خصمانه ای را اتخاذ کرده اند را باید در رقابت و کشمکش دانست که بین دو حکومت در جریان بوده است. یعنی ایران، تنها کشور خاورمیانه است که با مصر هیچ گونه رابطه دیپلماتیکی ندارد و حرکت های انقلابی مردم مصر را مشابه با انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ می داند.

لازم به تاکید است که سخنان و ادعاهای سران و مقامات حکومت اسلامی به حدی مضحک هستند که در جامعه برای آن ها، انواع و اقسام جوک ها را می سازند. برای مثال، یک کاربر اینترنت در وب لاگ خود به طنز نوشته است که «دیکتاتور مصر از جمهوری اسلامی جهت «دفع فتنه» و «رفع بلا»، درخواست یک کشتی ساندریس و تعداد زیادی پوستر از چهره تمام رخ احمدی نژاد کرده است.»

وبلاگ دیگری نیز دلایل «انقلاب در تونس و مصر» را این گونه توصیف کرده است: «استفاده از نوشابه های یک بار مصرف به جای نوشابه شیشه ای، عدم پخش اخبار در ساعت بیست و سی، کمبود مرتضوی، رادان و طائب و استفاده از نیروهای نظامی در درگیری های خیابانی به جای لباس شخصی ها.»

نویسنده این وبلاگ، در ادامه اضافه می کند: «کمبود امکانات تفریحی مانند کهریزک، اوین و رجائی شهر، عدم شیوع مننریت در بازداشتگاه ها و بالابردن سطح انتظارت عمومی با عرضه رانی به جای ساندریس.»

وب لاگ نویس دیگری، ضمن اشاره به شادی حکومت ایران از اتفاقات مصر برخی حوادث سال گذشته ایران را بازخوانی کرده است: «در تلویزیون ضرغامی چه ذوقی کرده اند کودتاچیان، چه شوقی برپاست در دل شان. چنان از ضرب و شتم مردم معترض و قطع تلفن و اساماس و اینترنت در مصر حرف می زنند که انگار نه انگار خودشان در همین یک سال و نیم گذشته نزدیک به صد نفر را در خیابان های ایران شهید کرده اند... ای حکومت خوشحال بی دیکتاتور! شما از این که ملت بریزد در خیابان و فقط به شما نگاه کند هم می ترسید. شما از بوق زدن ملت هم می ترسید و باتوم می زنید، جشن تان برای سقوط دیکتاتورهای خاورمیانه، حکایت همان دزد است که ملتی برای گرفتن این دزد دنبالش می دویدند و خود دزد هم از ترس داد می زد: دزد را بگیرید، دزد را بگیرید بگیرید بگیرد.»

باین ترتیب، تاکنون در تحولات تونس، هیچ شعار و نمادی از تحرک گرایش مذهبی دیده نشده است. بعلاوه مهم تر از همه «راشد غنوشی»، رهبر حزب اسلامی در تونس که پس از بیست و دو سال تبعید به کشورش بازگشته، در مصاحبه با شبکه های خبری مختلف از جمله خبرگزاری آسوشیتدپرس، از این که رسانه های غربی او را هم چون آیت الله خمینی، بنیان گذار حکومت اسلامی تصویر می کنند، انتقاد کرد و گفت: «این من نیستم».

غنوشی، در ادامه افزود: «چرا مردم می خواهند مرا با (اسامه) بن لادن و (آیت الله) خمینی مقایسه کنند، در حالی که به اردوغان نزدیک تر هستیم.» اشاره او به حزب رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه و از رهبران حزب اسلامی عدالت و توسعه است.

هم زمان با شادی هواداران «نهضت اسلامی» تونس، در بازگشت رهبرشان پس از بیست و دو سال تبعید، بسیاری از فعالان حقوق زنان و نیروهای سکولار با تجمع در فرودگاه و سردادن شعارهایی، از دخالت دین در دولت و بازگشت اسلام گرایان به تونس اظهار نگرانی کردند.

به گزارش امروز «الشرق الاوسط» ۱۱ بهمن ۱۳۸۹ برابر با ۳۱ ژانویه ۲۰۱۱، راشد غنوشی در همان ساعات نخست اقامت در منزل برادرش در شمال پایتخت تونس، تلاش کرد تا به نگرانی ها پاسخ دهد. او، با اشاره به نادرستی چهره ای که برخی رسانه های غربی از وی نشان داده اند تصریح کرد که «من خمینی نیستم»؛ به اعتقاد غنوشی، تفکر اسلامی وی شباهتی به مدل اسلام گرایی در ایران ندارد، وی خود را رهبر حزبی اسلامی و دموکراتیک می داند که به «حزب عدالت و توسعه» در ترکیه شباهت دارد. وی مدعی است که این حزب به جامعه دینی احترام می گذارد اما اجازه نمی دهد دین در اداره حکومت دخالت کند.

غنوشی، گفته است: «با توجه به این که حزب وی دو دهه از کشور دور بوده، آمادگی ایفای نقش در عرصه سیاست را ندارد و کاندیدایی در انتخابات ریاست جمهوری آینده نخواهد داشت اما در انتخابات پارلمانی شرکت خواهد کرد.»

غنوشی که اکنون ۶۹ سال دارد در پایان ۳۰ سالگی اش، از همان روزها که با تأثیرپذیری از «اخوان المسلمین» در مصر، «جماعت اسلامی» را در تونس تاسیس کرد اما بیش از برگزاری جلسات قرآن در مساجد، فعالیت آشکاری نداشتند.

در سال های پایانی دهه ۱۹۷۰، حبیب بورقیبه، رئیس جمهور پیشین تونس، به درخواست مجوز آن ها برای انجام فعالیت قانونی پاسخ منفی داد و سرانجام راشد غنوشی در سال ۱۹۸۱ بازداشت شد و تا سه سال بعد در زندان ماند.

با روی کار آمدن زین العابدین بن علی در سال ۱۹۸۷ و با توجه به روابط مسالمت آمیز او با اپوزیسیون در روزهای نخست به قدرت رسیدنش، فعالیت سیاسی حزب غنوشی افزایش یافت و با مشارکت در انتخابات پارلمانی توانست ۱۷ درصد آراء را به دست آورد.

روابط «جماعت اسلامی» که دیگر به «نهضت اسلامی» تغییر نام داده بود، رفته رفته با دولت جدید تونس نیز به تیرگی گرایید، تا آن که غنوشی مجبور شد در سال ۱۹۸۹ تونس را به مقصد الجزایر و سپس لندن ترک کند و دو سال بعد فعالیت حزب او ممنوع شد.

به نظر می رسد که غنوشی، اوضاع کشور و خواست ها و مطالبات جوانان و زنان و مردم آزاده را فهمیده و به همین دلیل خود و حزیبش را فعلا در حاشیه نگه داشته است.

البته ناگفته نماند که خمینی هم قبل از این که به قدرت برسد به نوعی همین حرف های شبیه غنوشی را زده بود. بنابراین، جامعه نباید در مورد تحرک ارتجاعی گروه های اسلامی، دچار خوش باوری شود.

در تحولات کنونی مصر، علاوه بر فعالیت کارگران، زنان، دانش جویان و مردم تحت ستم و آزادی خواه، جنبشی به نام «جنبش جوانان ۶ آوریل» نیز فعالیت دارد که به ویژه در بین جوانان پایگاه گسترده ای دارد.

این جنبش در سال ۲۰۰۸، با استفاده از فیس بوک توسط گروهی از جوانان مصری بنیان گذاشته شد که به حمایت از کارگران اعتصابی خواستار اعتصاب سراسری مصر در ششم آوریل آن سال شدند. اعضای این جنبش اکثرا جوانان تحصیل کرده مصری هستند که از طریق فیس بوک، تویت و فلیکر در برگزاری همایش های دموکراتیک نقش مهمی بازی کرده اند. جنبش ۶ آوریل، از شهروندان مصری خواسته است که تا تحقق خواسته های خود به راهپیمایی های اعتراض آمیز علیه دولت حسنی مبارک ادامه دهند.

اما به نظر می رسد که دولت ها و رسانه های بین المللی سرمایه داری، نقش لیبرال ها را در تحولات مصر برجسته کرده اند. محمد البرادعی، مدیرکل سابق آژانس بین المللی انرژی اتمی پس از بازگشت به مصر سازمانی متشکل از چندین گروه مخالف دولت تحت نام «جمعیت ملی تغییر» تشکیل داده است. رهبران احزاب سیاسی لیبرال از جمله الغد و جبهه دموکراتیک و هم چنین اسلام گرایان اخوان المسلمین و سیاستمداران قدیمی، روشنفکران و اعضای برخی نهادها و احزاب مخالف دولت مصر از جمله جنبش دموکراتیک تغییر، زیر چتر این جنبش گرد آمده اند.

اخوان المسلمین، با وجود آن که از سوی دولت مصر غیرقانونی اعلام شده است بزرگ ترین و سازمان یافته ترین گروه مخالف دولت مصر است. این گروه توانست در سال ۲۰۰۵ یک پنجم کرسی های پارلمانی را در انتخابات عمومی مصر به خود اختصاص دهد. اعضای اخوان المسلمین به عنوان کاندیداهای مستقل در این انتخابات شرکت کرده بودند. اما در دور اول انتخابات پارلمانی مصر در سال ۲۰۱۰ اخوان المسلمین کرسی های خود را از دست داد و دور دوم انتخابات را تحریم کرد.

جان لاین، خبرنگار تلویزیون جهانی بی بی سی در قاهره روز سه شنبه ۱۲ بهمن ۱۳۸۹ برابر با ۱ فوریه ۲۰۱۱، در گزارشی از میدان التحرير، گفت: ظهر امروز عده ای از اخوان المسلمین اقدام به برپائی نماز کردند، اما

بسیاری از کسانی که در این تظاهرات حضور دارند جوانان سکولار هستند و حتی اگر آن‌ها مذهبی هم باشند باید دید که در صورت پیروزی تظاهرات تا چه اندازه از اخوان المسلمین حمایت خواهند کرد. یک زن تظاهرکننده می‌گوید من فردی مسلمان هستم اما موافق اخوان المسلمین نیستم. من مسلمان هستم و در خانه خودم فرایض دینی را به جای می‌آورم ولی نمی‌خواهم مذهب را با سیاست درهم بیامیزم. من از اخوان المسلمین حمایت نخواهم کرد چون خواستار حکومتی دمکراتیک هستم.

یک مساله مهم دیگر در رابطه با تحولات مصر این است که همه دولت‌های جهان و منطقه، از رشد و گسترش تحولات انقلابی به شدت سراسیمه شده‌اند. دولت ترکیه، از ادامه ناآرامی‌ها در مصر ابراز نگرانی کرد. به گزارش خبرگزاری شین‌هاوا، ۱ فوریه ۲۰۱۱، جمیل چیچک سخن‌گوی دولت و معاون نخست‌وزیر ترکیه از گسترش اعتراض‌های مردمی در مصر ابراز نگرانی کرد و مردم این کشور را از درگیری با نیروهای امنیتی بر حذر داشت. چیچک، پس از نشست کابینه ترکیه درباره شرایط امنیتی در مصر و تونس، در جمع خبرنگاران ادعا کرد، مصر در برقراری صلح و امنیت در منطقه خاورمیانه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و مقامات آنکارا خواستار برقراری امنیت و آرامش در این کشور هستند. چیچک، با اشاره به روابط تاریخی ترکیه با مصر و تونس گفت، آنکارا معتقد است که باید به مردم مصر اجازه داده شود تا اعتراض‌های آرام برگزار کنند و باید به آن‌ها آزادی بیان داده شود.

بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، احتمال رسیدن موج اعتراضات تونس و مصر به سوریه را نفی کرد و ادعا نمود: «هیچ ناراضی‌عمومی در سوریه وجود ندارد.» اسد که روز دوشنبه ۳۱ ژانویه ۲۰۱۱، با «والاستریت ژورنال» سخن می‌گفت، رکود سیاسی و اقتصادی، ایدئولوژی ضعیف و دخالت بیگانگان را «عوامل شیوع بیماری در منطقه» و آشفتگی سیاسی در مصر و تونس خواند. او، گفت: «به علت رکود و ایستایی مبتلا به میکروب شده ایم، اما این آشفتگی سیاسی به سوریه نمی‌رسد زیرا در پنج دهه حکومت حزب بعث، رابطه محکمی میان مردم و حکومت وجود داشته و هیچ ناراضی‌عمومی وجود ندارد.»

رئیس‌جمهور سوریه، در این مصاحبه که هم‌زمان با خبرگزاری رویترز در رسانه‌های عربی منطقه منتشر شد، مدعی شد که «چنین شکافی در سوریه وجود ندارد و اگرچه وضع اقتصادی ما به علت تحریم‌های بین‌المللی از مصر دشوارتر است اما با خیزش و اعتراض عمومی مواجه نیستیم.»

اسد، در عین حال با اشاره به امکان تغییر قانون مطبوعات در جهت آسان‌گیری بیش‌تر بر رسانه‌ها بر ضرورت اصلاحات و هماهنگی با تحولات تاکید کرد و گفت: «اولویت ما حفظ ثبات کشور، حمایت از جامعه در برابر تندی‌ها و البته بهبود وضعیت اقتصادی است.» او، در این گفتگو ایران را هم پیمان‌کلیدی سوریه خواند و گفت: «هیچ کس، خوشش بیاید یا نیاید، نمی‌تواند از ایران چشم‌پوشی کند.»

اسد، در حالی از ثبات و مصونیت کشورش از ناراضی‌عمومی سخن می‌گوید که از ۸ مارس ۱۹۶۳ تاکنون در این کشور، وضعیت اضطراری اعلام شده و نزدیک به نیم قرن است که حتی «رفتار انتقادی نسبت به دولت» نیز به علت اعلام این وضعیت ممنوع است. قانون شماره ۵۱ مصوب ۱۹۶۲ در سوریه، به دولت اجازه می‌دهد که در صورت به خطر افتادن امنیت ملی، وضعیت اضطراری اعلام کند؛ شرایطی که در آن آزادی‌های سیاسی و اجتماعی متناسب با خطری که امنیت کشور را تهدید می‌کند محدود می‌شود.

وعده بشار اسد در این مصاحبه اش به «آسان‌گیری بیش‌تر بر رسانه‌ها» در حالی است که هم‌اکنون بسیاری از سایت‌های اینترنتی در این کشور فیلتر هستند و دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب به سادگی امکان‌پذیر نیست.

دفتر پادشاهی اردن، در پایتخت این کشور «عمان»، روز سه‌شنبه ۱ فوریه ۲۰۱۱ - ۱۲ بهمن ۱۳۸۹، ضمن اعلام خبر انحلال کابینه و تغییر نخست‌وزیر افزود که رئیس‌دولت جدید، معروف‌البخیت، مأموریت یافته «اصلاحات واقعی سیاسی» را در کشور عملی سازد. این تغییرات در پی اعتراضات نیروهای مخالف دولت اردن صورت می‌گیرد. دفتر پادشاهی اردن، اعلام کرد که یکی از وظایف دولت جدید برداشتن «گام‌های عملی، سریع و مشخص» به منظور اجرای اصلاحات سیاسی در کشور است. پادشاهی اردن هدف از این اصلاحات را «تضمین زندگی بهتر» برای مردم کشور دانست.

در اعتراض به سیاست‌های دولت، افزایش بی‌کاری، گرانی و مشکلات اقتصادی در اردن، روز جمعه ۲۱ ژانویه ۲۰۱۱، هزاران شهروند اردنی به خیابان‌های عمان ریختند. رهبران گروه‌های اپوزیسیون در اردن اعلام کردند که تا رسیدن به خواسته‌های خود دست از اعتراض برنخواهند داشت.

هزاران تظاهرکننده در عمان، پایتخت اردن که عمدتاً به درخواست نیروهای کارگری و چپ به خیابان‌ها آمده بودند، خواستار برکناری دولت این کشور شدند. این حرکت تنها یک هفته پس از سقوط دولت بن‌علی در تونس، در اردن برگزار شد.

یکی از خواسته‌های محوری معترضان کناره‌گیری «سمیر الرفاعی»، نخست‌وزیر اردن، و تمامی وزیران کابینه او بود. تظاهرکنندگان هم‌چنین مخالف انتصاب نخست‌وزیر و دولت از سوی ملک عبدالله، پادشاه اردن، شدند. به گفته تظاهرکنندگان، انتخاب دولت و نخست‌وزیر باید برعهده پارلمان این کشور باشد.

دولت اردن، برای آرام کردن اوضاع کشور، هم‌چنین به طور ناگهانی اعلام کرد که ۱۲۵ میلیون دلار کمک‌های یارانه‌ای برای مواد غذایی و سوختی در نظر گرفته است و این بسته کمکی برای مقابله با افزایش قیمت‌ها و به منظور اشتغال‌زایی در نظر گرفته شده است. به گفته شورای اقتصاد اردن، یک چهارم مردم این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

نیروی اپوزیسیون پر قدرت اردن، روز دوشنبه ۲۱ ژانویه ۲۰۱۱، اعلام کرد که با رهبری کشور وارد گفتگو شده است. عبدالهادی الفلاح، نماینده اتحادیه کارگری اردن، تصریح کرد که «ما خواهان برکناری دولت و تقسیم عادلانه ثروت هستیم.» در هفته گذشته نیز ۵۰ نفر از اعضای اتحادیه کارگری اردن، راه ورودی سفارت تونس در عمان را مسدود کردند.

در ادامه تظاهرات مخالفان دولت در پایتخت الجزایر، روز شنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۰۱، ده ها نفر زخمی شدند. بر اساس گزارش خبرگزاری ها، در این تظاهرات تعداد زیادی از تظاهرکنندگان نیز بازداشت گردیدند. به گفته خبرگزاری فرانسه، این تظاهرات که از سوی «جنبش فرهنگ و دموکراسی» سازمان دهی شده بود، به رغم عدم اجازه قانونی در الجزیره، پایتخت الجزایر، برگزار شد. تظاهرکنندگان قصد حرکت به سوی پارلمان این کشور را داشتند که با مقاومت نیروهای انتظامی مواجه شدند. «عثمان امازوز، رهبر جنبش فرهنگ و دموکراسی» نیز در میان زخمی شدگان است. هم زمان با اعتراضات مردم تونس، در هفته های گذشته در الجزایر نیز تظاهرات هایی برگزار شده که در آن ده ها نفر کشته و صدها نفر نیز مجروح شده اند. اعتراضات مردم الجزایر، هم چنان ادامه دارد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه از صناعا، علی عبدالله صالح رییس جمهور یمن روز چهارشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۸۹ - ۲ فوریه ۲۰۱۱، اعلام کرد به دنبال تمدید دوره ریاست جمهوری خود یا واگذاری قدرت به پسرش نیست. رییس جمهور یمن که با اعتراضات مردمی روبرو است، هم چنین از تعویق انتخابات پارلمانی این کشور خبر داد. علی عبدالله صالح که از ۳۲ سال پیش قدرت را در یمن در دست دارد، روز چهارشنبه طی سخنانی در پارلمان این کشور، اعلام کرد انتخابات پارلمانی یمن که قرار بود بیست و هفتم ماه آوریل برگزار شود، به تعویق می افتد. رییس جمهور یمن، هم چنین از مخالفان خواست تا تظاهرات الهام گرفته از تظاهرات مردم تونس و مصر را متوقف کنند و آن ها را به گفتگو دعوت کرد. علی عبدالله صالح، در این سخن رانی، تشکیل دولت وحدت ملی را خواستار شد و تاکید کرد که تمایلی برای تداوم حضور در قدرت ندارد و علاوه بر این در نظر ندارد پسرش را به عنوان جانشین خود در قدرت بگمارد. یمن، در روزهای اخیر شاهد اعتراضات گسترده ای از سوی مردم علیه عبدالله صالح بوده است و مردم یمن او را حاکمی هم چون «بن علی» در تونس و «حسنی مبارک» در مصر می دانند.

آخرین خبرها از تحولات مصر، عصر چهارشنبه ۲ فوریه ۲۰۱۱، میدان تحریر (آزادی) قاهره که تاکنون مرکز تجمع معترضان به دولت حسنی مبارک بود با یورش حامیان رییس جمهور مصر (لباس شخص ها) به صحنه خونینی تبدیل شد.

تلویزیون خبری الجزیره، می گوید گروهی که در برابر معترضان قرار گرفته است وابسته به نیروهای امنیتی حکومت هستند.

در نهمین روز از اعتراضات سراسری در کشور مصر، مردم قاهره روز چهارشنبه بار دیگر در میدان تحریر (آزادی) این شهر گرد هم آمدند و خواستار کناره گیری سریع حسنی مبارک رییس جمهور از قدرت شدند. به نظر می رسد سخنان و وعده های تازه رییس جمهور مصر، مبنی بر کناره گیری که سه شنبه شب از تلویزیون دولتی این کشور پخش شد چندان رضایت مردم کشور را جلب نکرده، تا آن جا که آن ها محکم بر خواسته های خود پافشاری کرده و می گویند: «ما نمی رویم، او می رود.»

حسنی مبارک ۸۲ ساله، روز سه شنبه ۱ فوریه، پس از یک هفته انتظار مجبور به عقب نشینی شد و به مردم مصر وعده داد که دیگر در انتخابات ریاست جمهوری نامزد نخواهد شد و چند ماه آینده باقی مانده تا ماه سپتامبر را که زمان انتخابات فرا می رسد در راه انتقال «آرام و صلح آمیز» قدرت تلاش خواهد کرد.

روز سه شنبه، راهپیمایی میلیونی معترضان که بخش اعظم آن ها در میدان تحریر قاهره گرد هم آمدند به علاوه شهرهای اسکندریه و سوئز و چند شهر دیگر مصر برگزار شد.

محمد البرادعی، از مخالفان دولت فعلی مصر، اقدام اخیر حسنی مبارک را «خیله و ترفند» خوانده است. حسنی مبارک، پیش تر و در نخستین واکنش به اعتراضات مردمی مصر، با دادن وعده اصلاحات اقتصادی و سیاسی دولت را منحل کرده و پس از ۳۰ سال برای خود معاونی برگزید، اما راهپیمایی میلیونی روز سه شنبه پاسخ منفی مردم به این وعده ها بود.

روز پنج شنبه ۲ فوریه ۲۰۰۱، حالی از آن است که درگیری ها در میدان «تحریر» قاهره، هم چنان ادامه دارد و شاهدان عینی به خبرگزاری ها گفته اند طرفداران حسنی مبارک، رییس جمهوری مصر، بامداد روز پنج شنبه ۳ فوریه ۲۰۱۱، به سوی تظاهرکنندگان حاضر در میدان «تحریر» تیراندازی کردند که دو نفر کشته و شماری نیز مجروح شده اند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، تیراندازی های پراکنده از ساعت ۴ بامداد روز پنج شنبه آغاز شد. این در حالی است که احمد حسنی فرید، وزارت بهداشت مصر شامگاه روز چهارشنبه ۲ فوریه، اعلام کرد که در درگیری ها بین طرفداران و مخالفان حسنی مبارک، رییس جمهوری مصر، در اطراف میدان «تحریر» قاهره سه نفر کشته و بیش از ۶۳۹ نفر زخمی شده اند.

در حالی که یک پزشک به خبرگزاری رویترز، گفته است بیش از یک هزار و پانصد نفر در درگیری های روز چهارشنبه قاهره زخمی شده اند.

به گزارش شبکه الجزیره، طرفداران حسنی مبارک به طرف مخالفان حاضر در میدان «تحریر» کوکتول مولوتف پرتاب می کردند و صدای تیراندازی در اطراف این میدان به گوش می رسید. طبق این گزارش، نیروهای ارتش

حاضر در میدان تحریر به هزاران هوادار حسنی مبارک که به چاقو و چماق مسلح هستند، اجازه ورود به این میدان را دادند. تصاویر ویدئویی نشان می دهد که تعدادی از هواداران حسنی مبارک سوار بر اسب و شتر به مخالفان در میدان تحریر حمله می کنند. در حالی که پیش تر ارتش مصر، طی بیانیه ای وعده داده است که علیه تظاهرکنندگانی که خواستار برکناری حسنی مبارک هستند به زور متوسل نشود و به «حقوق مشروع مردم» احترام بگذارد. هم چنین سازمان ملل متحد، ۱ فوریه اعلام کرد براساس گزارش های تایید نشده سیصد نفر در خشونت ها در مصر کشته شدند. سازمان ملل، هم چنین اعلام کرد در اقدامات خشونت بار پیش از سقوط بن علی رییس جمهور سابق تونس، دوستان و نوزده نفر جان خود را از دست دادند.

اکنون علاوه بر تونس و مصر، اردن، الجزایر، یمن نیز شاهد شدیدترین نوع اعتراضات مردمی، نسبت به این وضعیت ناعادلانه و سرکوب گر است. نرخ بی کاری که در برخی کشورهای عرب به ۳۰ درصد نیز می رسد، وضعیت وخیم اقتصادی و مردم زیادی که زیر خط فقر زندگی می کنند از یک سو و خفقان سیاسی و فساد دولتی از سوی دیگر، جوامع عرب را به بشکه های باروتی بدل ساخته است که با جرقه ای از تونس آغاز شده و اکنون کشورهای آفریقایی و آسیایی را شعله ور کرده است. در واقع مردم معترض این کشورها، به آن درجه ای از آگاهی و قدرت طبقاتی و اتحاد و همبستگی خود پی برده و باور کرده اند که با مبارزه متحدانه خود می توانند مستبدترین حکومت های تا دندان مسلح و جانی را نیز به زیر بکشند. در این میان و در حال حاضر، سران ریز و درشت حکومت اسلامی ایران، ظاهراً «پیروزمندان» تحولات تونس و مصر را «پی داری مسلمانان، پس لرزه های انقلاب اسلامی ایران، جنبش اسلامی علیه دولت های سکولار و طرفدار غرب» می نامند. اما هراس اصلی آن ها، از تکرار وقایع ۵۷ و ۸۸ ایران و هم چنین تونس و مصر بر علیه حکومت جانی شان از یک سو و دمکراتیزه شدن کشورهای عربی و حاشیه ای شدن گرایش های اسلامی از سوی دیگر است.

مقامات حکومتی اسلامی ایران، از یک سو ادعا می کنند که تحولات انقلابی مصر، از «انقلاب اسلامی» الهام گرفته ولی برخی سایت های اینترنتی را فیلتر کرده اند تا مردم دسترسی به این تحولات را نداشته باشند. خبرگزاری رویتر، نوشته است شاهدان خبر دادند که فیلتر دولتی اینترنت در ایران، دسترسی به برخی دیگر از سایت های بزرگ را محدود کرده است. سایت اخبار یاهو (یاهو نیوز) و سایت رویتر که معمولاً در دسترس بودند، فیلتر شدند و به سایر سایت های فیلترشده دیگر مانند فیس بوک و توئیتر پیوستند. یک مقام رسمی در ایران که رویتر با او تماس گرفت گفته است: «مقامات موضوع را بررسی می کنند».

دست کم در مصر ۳۰ سال، تونس ۵۴ سال، اردن بیش از ۶۰ سال و در یمن بیش از ۴۰ سال، حکومت های مستبد و سرکوب گر حاکمیت کرده اند و با خشونت و سانسور فعالیت همه رسانه های مستقل، احزاب و سازمان های سیاسی، تشکل های دمکراتیک کارگران، زنان، دانش جویان، روزنامه نگاران، نویسندگان، هنرمندان و غیره را ممنوع کرده و فعالین این عرصه ها نیز شدیداً سرکوب نموده اند. جامعه ما و افکار عمومی مردم جهان، وحشیانه ترین شکل این سرکوب ها و کشتارها را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران شاهد هستند. حتی در برخی از کشورهایی چون تونس که تحولات انقلابی در جریان است قبل از این تحولات حداقل به زور سر زنان چادر نکرده و در خیابان ها به آن ها توهین نمی کردند؛ جوانان در اوقات فراغت خود امکان تفریح داشتند. تونس، یکی از کشورهای توریستی محسوب می شد؛ در حالی که همین ها در ایران جرم زندان و شکنجه و اعدام در بردارند. بر اساس قانون ازدواج مدنی تونس، لازم نیست مسجد و کلیسا، ازدواج ها را به رسمیت بشناسند، بلکه کافی است هر دو نفری که می خواهند با هم زندگی کنند ازدواج شان را در مرکزی دولتی به ثبت برسانند تا از همه حقوق یک زوج قانونی برخوردار باشند. در حالی که در ایران تحت حاکمیت جمهوری جهل و جنایت اسلامی، اگر زن و مردی خارج از قوانین اسلامی با همدگر رابطه انسانی و عاطفی برقرار کنند در صورت دستگیر شدن خطر سنگسار در انتظارشان است. در حالی که با یک صیغه اسلامی حتی در پایتخت اسلام، یعنی شهر قم، هرکس می تواند زانی را از هر سنی چه جوان و چه پیر برای یک ساعت، چند ساعت، چند روز و چند ماه صیغه کند و مرد متجاوز هر بلایی و جنایتی خواست بر سر او بیاورد از نظر شرعی و قانونی مجاز است. بنابراین، تحولات انقلابی از تونس تا مصر، نه برای اسلام و برپایی حکومت ارتجاعی اسلامی، بلکه برعکس برای نان و آزادی و دست کم برای برپایی حکومت های دمکراتیک است و عقب نشینی اجباری گرایش های اسلامی نیز در آن ها مشهود و عیان است.

تجارب انقلاب های سیاسی - اجتماعی تاکنونی نشان می دهند که در سر راه آن ها، انواع و اقسام موانع و توطئه نهفته است. از این رو، مردمی که حکومتی را ساقط می کنند نباید سرنوشت خود را به دست حاکمان جدید بدهند. آن ها باید مستقیماً در سرنوشت خویش و جامعه شان دخیل باشند و به هیچ فرد و جمعی و حزبی اجازه ندهند فداکاری ها و جان فشانی ها و خون جان باخته گان شان را فدای قدرت گیری خود کنند. سوسیالیست های انقلابی، مردم برابری طلب و عدالت جو، نباید راهی برای برگشت به گذشته و بقایای حکومت سرنگون شده باز بگذارند و نه راهی برای قدرت گیری نیروهای تازه نفس مرتجع و فرصت طلب. تنها حضور دایمی و پیگیر کارگران، زنان، دانش جویان، نویسندگان و هنرمندان مترقی و مردم آزاده در صحنه سیاسی کشور می تواند موانع سر راه پیشروی جنبش اجتماعی را پشت سر بگذارد و هم توطئه های دشمنان و دوستان دروغین انقلاب را خنثی کند. هم چنان که در مورد انقلاب ۵۷ ایران دیدیم خلاء قدرت و عدم حضور پیگیر نیروهای واقعی انقلابی در صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه، سبب شد که نیروهای مرتجع اسلامی و جانی قدرت را بگیرند که هنوز هم پس از گذشت سی و دو سال ماشین آدم کشی شان هم چنان از جامعه قربانی

بگیرد. اما دور نیست آن روزی که کارگران و مردم تحت ستم و عدالت جو، بار دیگر برای به دست آوردن آزادی خود به پا خیزند.

هدف های جنبش اجتماعی و انقلابی که لغو فوری همه قوانین غیرانسانی و نابرابر، تامین آزادی ها فردی و اجتماعی شهروندان، آزادی احزاب و سازمان های سیاسی، آزادی تشکل های دمکراتیک زنان، کارگران، دانش جویان، روشنفکران، هنرمندان، آزادی رسانه های مستقل، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت ها و برقراری یک رابطه برابر و انسانی بین همه شهروندان کشور، آموزش و پرورش و هم چنین بهداشت و درمان رایگان، پرداخت بیمه بی کاری مکفی به همه بی کاران و غیره حداقل خواست هایی هستند که باید در جامعه نهادینه شوند از این رو، نباید صرفا به جابه جایی افراد و حکومت محدود شوند.

از جمله مسائل مورد بررسی و قابل اتکا در تحولات انقلابی اخیر، نقش و جایگاه مهم رسانه هاست. در خیزش مردم ایران در سال ۸۸ و اکنون تونس و مصر و غیره نقش تعیین کننده و مثبت و مهم اینترنت، موبیل تلفن، اس ام اس، فیس بوک و تویتر بر همگان آشمار شده است و در پخش سریع خبرهای مهم و رویدادها و هم چنین بسیج نیرو، تاثیر به سزایی بر افکار عمومی می گذارند.

مهم ترین درس و پیام انقلابات از تونس تا ایران، این است که انسان ها با اتحاد و همبستگی طبقاتی خود می توانند علیه یوغ ستم و استبداد و استثمار و گلوله بریزند و به سرعت حکومتی را که به ظاهر خود را با ثبات و قدرقدرت نشان می دهد، سرنگون کنند. اما مهم تر از همه، نیروهای انقلابی و خشمگین باید بدانند که چه نوع حکومتی را می خواهند جایگزین حکومت سرنگون شده کنند که خواست ها و مطالبات و آرزوهای برابری طالبانه و انسان دوستانه آن ها را برآورد کند، امری بس مهم و سرنوشت ساز است.

پنج شنبه چهاردهم بهمن ۱۳۸۹ - سوم فوریه ۲۰۱۱